



بررسی و ارزیابی کیفیت تدریس اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان و علوم

پزشکی سنندج

جمال سلیمی (استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه کردستان؛ j-salimi2003@yahoo.com)
قباد رضمانی (کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی: ramazanighobad@yahoo.com)

چکیده:

مقدمه: ارزشیابی یکی از فرآیندهای اساسی و فعالیت اجتناب ناپذیر در مدیریت بخصوص در جریان یاددهی - یادگیری بوده و اجرای دقیق آن همواره پرهزینه و دارای مشکلات اجرایی خاص خود می باشد. مهمترین ابزار تعیین کیفیت و اثربخشی یک فرایند و برنامه آموزشی، ارزشیابی آن می باشد. در دنیای امروز، دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی سه ماموریت اصلی آموزش، پژوهش و ارائه خدمات را برعهده دارند. با عنایت به نقش مهم این نهاد ها در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه، اطمینان از کیفیت آنها به جهت جلوگیری از هدر رفتن سرمایه های انسانی و مادی و نیز داشتن توانایی رقابت در دنیای آینده، که کیفیت مهمترین مولفه برای ادامه حیات یک سازمان است، ضرورتی انکار ناپذیر است. در این پژوهش به بررسی کیفیت تدریس اعضای هیات علمی دانشگاه- های کردستان و علوم پزشکی شهر سنندج پرداختیم.

روش تحقیق: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی می باشد. جامعه آماری تحقیق را کلیه اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان و علوم پزشکی شهر سنندج و همچنین تمام دانشجویان دو دانشگاه نامبرده در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ تشکیل می دهند. از این تعداد به صورت تصادفی ۲۰ عضو هیات علمی انتخاب شدند و برای هر استاد انتخاب شده تعداد ۲۰ دانشجو که با وی بیش از دو نیم سال تحصیلی درس گذرانده اند برای تکمیل پرسشنامه انتخاب گردیدند. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه محقق ساخته می باشد. برای تجزیه و تحلیل داده های تحقیق از روشهای امارتوصیفی و استنباطی و نرم افزار spss نسخه ۲۰ بهره گرفتیم.

نتیجه گیری: نتایج تحقیق نشان داد که رشته تحصیلی اعضای هیات علمی و سابقه تدریس و همچنین محل گرفتن مدرک دکتری با میزان کیفیت تدریس آنان رابطه معناداری دارد. اما بین جنسیت و کیفیت تدریس رابطه معنی داری مشاهده نشد.

کلمات کلیدی

ارزشیابی اساتید، کیفیت تدریس، علوم پزشکی کردستان



مقدمه

در دهه های اخیر توجه به بهبود کیفیت در آموزش عالی به طور چشمگیری افزایش یافته است و جهت تحقق این مهم، نقش ارزیابی انکارناپذیر است. بر این اساس نظام های دانشگاهی در کشورهای مختلف در پی آن هستند که با به کارگیری روش های ارزیابی، به طور مستمر به بهبود کیفیت نظام خود بپردازند. در این راستا کشورهایی که دارای تجربه موفق در این زمینه می باشند، از ارزیابی درونی به عنوان رویکردی زیر بنایی جهت بهبود، تضمین و اعتبارسنجی کیفیت استفاده کرده اند.

در دهه های اخیر با توجه به نقش حیاتی نظام آموزش عالی در تربیت نیروی انسانی متخصص، تولید دانش و ارائه خدمات تخصصی و از طرف دیگر با توجه به چالش های پیشروی آن از قبیل توسعه روزافزون دانشگاهها و موسسات آموزش عالی جهت پاسخگویی به تقاضای اجتماعی، دانش محور شدن اقتصاد و توسعه فناوری اطلاعات و ...، توجه به کیفیت دانشگاهها و موسسات آموزش عالی بیش از پیش ضرورت یافته است تا با توجه به محدودیت منابع، موفقیت در دستیابی به اهداف و حداکثر کارایی و اثربخشی تحقق یابد.

در این شرایط چنانچه دانشگاه ها بخواهند به طور مطلوب به ایفای مأموریت های خود بپردازند، لازم است اطمینان ذینفعان خود (جامعه، دولت، هیأت علمی، دانشجویان و ...) را نسبت به این موضوع که کوششهای دانشگاهی از کیفیت لازم برخوردار است، جلب کنند و از سازوکارهای لازم برای بهبود کیفیت استفاده نمایند. از آنجا که ارزیابی از جمله سازوکارهای بهبود کیفیت می باشد، دانشگاه ها باید خود را مورد ارزیابی قرار داده و شرایط ارتقاء مستمر کیفیت خود را فراهم آورند (بازرگان، ۱۳۸۶).

از این رو امروزه دانشگاه ها و نظام های آموزش عالی در کشورهای مختلف در پی آن هستند که با به کارگیری راهکارهای گوناگون و به طور مستمر به ارزیابی کیفیت خود بپردازند. یکی از این راهکارها استفاده از روش ارزیابی درونی است که زیربنای اعتبارسنجی است و کاربرد وسیعی در آموزش عالی دارد. نتیجه پژوهش ها نشان می دهد که ارزیابی درونی به عنوان پایه اصلی نظام تضمین کیفیت در تجارب جهانی پذیرفته و نهادمند شده است (فراستخواه و همکاران، ۱۳۸۶) و می تواند در برنامه ریزی برای بهبود کیفیت گروه های آموزشی دانشگاهی تأثیر شایانی داشته باشد (فراستخواه، ۱۳۸۷).

در دهه گذشته، ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اساتید در کانون توجه و کوشش و تلاش های ملی قرار داشته است؛ زیرا این امر، هم توجیهی از چگونگی عملکردهاست و هم موجب بهبود بخشیدن کیفیت آموزشی می شود.

گروهی از پژوهشگران معتقدند که امروزه با این حقیقت روبه رو هستیم که تعداد زیادی از دانشگاه های کشورهای غربی ارزشیابی دانشجویان از عملکرد استادان را به عنوان یک عامل تعیین کننده نظیر سایر عواملی که از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار هستند تلقی می کنند. اگرچه روایی و اعتبار این ارزش ها تا حدی متغییر و ناپایدار نشان داده شده، به هر حال زمانی که این ارزشیابی ها به عنوان بخش حیاتی در تعداد زیادی از منابع علمی مورد پذیرش صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت قرار گرفته، این سوال مطرح است که آیا عناصر دیگری نیز وجود دارند که در فرایند این پژوهش ها در موقعیت های فرهنگی متفاوت مورد استفاده قرار گیرند؟ به عبارت دیگر، ارزشیابی دانشجویان از تدریس اساتید تحت تاثیر چه عواملی صورت می گیرد (ماروین، ۲۰۰۰).

مارش و مایکل در تحقیق خود نشان دادند که بازخورد حاصل از نتایج ارزشیابی دانشجویان از اثربخشی مدرسان، اگر با مشورت و راهنمایی همراه شود در بالا بردن سطح کیفی آموزش موثر است (مارش، ۱۹۹۳).



بیان مسئله

ارزشیابی یا ارزیابی^۱ به یک فرایند ساختار مند برای جمع آوری و تفسیر اطلاعات اطلاق می‌گردد که تحقق اهداف مورد نظر برنامه و میزان آن را تعیین می‌کند (جعفری، ۲۰۰۷). به دیگر سخن ارزشیابی به فرایند نظام‌دار یک موضوع اطلاق می‌گردد که برای بهبود و تاثیر بخشی بیش تر برنامه و با استفاده از روش های صحیح اخلاقی و دقیق صورت می‌گیرد (توتونچی، ۲۰۰۶). ده ها سال است که اساتید در دانشگاه های مختلف دنیا به تدریس دروس مختلف به دانشجویان پرداخته اند. اولین ارزشیابی به زمان سقراط برمی‌گردد که شاگردان معلمان خود را به طور رسمی ولی نامنظم ارزشیابی می‌کردند و اولین پرسش نامه های مدون به صورت منظم در آغاز قرن بیستم در دانشگاه واشنگتن به کار گرفته شد (شکورنیا، ۲۰۰۸).

در چند دهه گذشته ویژگی های مدرسان دانشگاه ارتباط آن با چگونگی عملکرد آنان در فرایند یاددهی-یادگیری نظر بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است؛ زیرا بخش عظیمی از یادگیری دانشجویان یا تائزگذاری تعلیم و تربیت را در آنچه در محیط یاددهی-یادگیری - یعنی کلاس درس- به منصفه ظهور می‌رسد، باید جستجو کرد. در این صورت باید حکم کنیم که یکی از موثرترین و کارسازترین مولفه های تعلیم و تربیت دانشگاهی را عضو هیات علمی تشکیل می‌دهد و عملکرد و سلوک حرفه ای او بیش از هر چیز در روشهای تدریس او متجلی می‌شود (گیج، ۱۹۸۷؛ ترجمه مهرمحمدی، ۱۳۷۴). اساتدان از مهمترین عوامل در آموزش دانشجویان هستند و تعداد اعضای هیات علمی و مراتب آن ها در دانشگاه ها متفاوت است.

تحقیقات نشان می‌دهد که رفتار استاد به عنوان یک کارکرد ناشی از شخصیت او و اشتیاقی که به موضوع درس از خود بروز می‌دهد مورد توجه پژوهشگران بوده است (مارش، ۱۹۸۶). دیدگاهی که توانسته در بسیاری از دانشگاه ها توجه صاحب نظران را به خود جلب کند، اهمیت نقطه نظر دانشجویان در مورد استاد و کیفیت تدریس او و دخالت دادن آن در فرایند اتخاذ تصمیماتی است که حیات علمی یک دانشگاه را تشکیل می‌دهد.

سنترا^۲ و أبرامی^۳ و هربرت مارش^۴ در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده اند که ارزشیابی دانشجویان از کیفیت تدریس دانشگاهی، نتایج مفیدی را برای تصمیم گیری های اساسی نظیر بازخورد تشخیصی به دانشکده ها در مورد عملکرد اساتدان، انتخاب و گزینش اساتدان برجسته و استفاده از اطلاعات به دست آمده برای راهنمایی دانشجویان در انتخاب درس ها با استنادی که از شایستگی علمی برخوردارند در اختیار مسولین نظام آموزشی قرار می‌دهد (مارش، ۱۹۸۳).

ارزشیابی از شایستگی، عملکرد، دانش و توانایی اعضای هیات علمی، از موضوعات مورد توجه مؤسسات آموزش

عالی است. همه مدیران مؤسسات آموزشی به دنبال دستیابی به روش های مناسب برای انجام این امر مهم هستند. مدل های مختلفی برای ارزشیابی اعضای هیات علمی وجود دارد که ارزشیابی توسط مسؤلین، ارزشیابی به وسیله همکاران، ارزشیابی توسط دانشجویان و خودارزیابی، نمو نه هایی از آن است. از میان روش های پیش گفت، ارزشیابی اعضای هیات علمی توسط دانشجویان از رایج ترین مواردی است که در دانشگاه ها و مراکز آموزشی به کار گرفته می‌شود.

استفاده رسمی از فرایند ارزشیابی دانشجو از اساتید در سال ۱۹۶۰ آغاز شد و تاکنون گسترش زیادی یافته

¹ - Evaluation / Assessment

² -Sentra

³ -Abramy



است. به طوری که هم اکنون در تمام کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا به کار می‌رود و شاید به عنوان اصلی‌ترین منبعی باشد که برای ارزیابی اعضای هیأت علمی در زمینه عملکرد تدریس استفاده می‌شود. مهم‌ترین هدف ارزشیابی کمک به اساتید در جهت اصلاح و بهبود روش‌ها و فعالیت‌های آموزشی، کمک به مدیران برای تصمیم‌گیری معقول‌تر در مورد استخدام، ترفیع اساتید و در نهایت ارتقای تعلیم به عنوان یک حرفه است (ثناگو، ۱۳۸۹).

جویا شدن از نظرات دانشجویان به عنوان تنها کسانی که تأثیر کامل یاددهی را در دوره درسی تجربه می‌کنند. امروزه مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است چنانچه نتایج یک مطالعه در خصوص پیامدهای بازخورد دانشجویان حاکی از آن بود که اساتید نظرات دانشجویان را مهم تلقی کرده و در پی برطرف نمودن موارد خواسته شده از سوی دانشجویان می‌باشند. اگر چه مهارت‌های علمی، تخصصی و اطلاعاتی هر مدرس در هر پایه و رشته‌ای که تدریس می‌کند طبیعی‌ترین نیاز او برای ایفای نقش معلمی است. اما نباید تصور کرد که هر کس بداند و زیاد هم بداند الزاماً مدرس خوبی هم می‌تواند باشد. اگر چه برخی موارد کاربرد سنجیده قسمت اندکی از کل فرآیند ارزشیابی و ادعای اجرای آن به طور کامل منجر به تصمیم‌گیری‌های غلط شده است و یا استفاده نابجا از نظرخواهی فراگیران به جای ارزشیابی جامع‌نگر، فرم‌های ناقص، اجرای نامناسب (توزیع فرم‌ها در جلسه آخر یا جلسه امتحان، عدم رعایت اصل تصادفی بودن، عدم توضیح کافی در مورد نحوه تکمیل فرم توسط مجریان، بازخورد نامناسب)، عدم بهره‌گیری از روش‌های مکمل ارزشیابی به طور هم‌زمان، عدم روایی و پایایی ابزارهای ارزشیابی به عنوان نقاط ضعف ارزشیابی اساتید در دانشگاه‌ها به این نوع ارزشیابی لطمه وارد نموده است. ولی یک بررسی در خصوص تجربیات اساتید در زمینه ارزیابی دال بر آن بود که ارزیابی علی‌رغم جوانب منفی برگرفته از غرایز شخصی می‌تواند مفید واقع شود و فرد را به تفکر در مورد موارد منفی وادار می‌نماید.

ارزشیابی یکی از جنبه‌های مهم در فرایند فعالیت‌های آموزشی است و این امکان را فراهم می‌سازد تا براساس نتایج آن، نقاط قوت و ضعف فرایند آموزش مشخص شود و با تقویت جنبه‌های مثبت و رفع نارسایی‌ها در ایجاد تحول و اصلاح گردش کار گام‌های مناسبی برداشته شود.

تحقیق حاضر کوششی است تا به بررسی و ارزشیابی کیفیت تدریس اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان و علوم پزشکی شهر سنندج از دیدگاه دانشجویان در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بپردازد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر تحقیقات متعددی در زمینه ارزشیابی از اساتید صورت گرفته است. از جمله شکور نیا و همکاران در تحقیقی بر روی ۸۴ مدرس دانشگاه‌های علوم پزشکی جندی شاپور به روند ارزشیابی اساتید در سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۴ پرداختند و نتیجه گرفتند که علی‌رغم تغییر ارزشیابی کنندگان در طول ده ساله فوق، نتایج ارزشیابی ثابت داشته است. همچنین فتاحی و همکاران در تحقیقی بر روی ۱۱۳ مدرس دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ نشان دادند که مدرسین از نظرات دانشجویان در اصلاح شیوه‌ی تدریس خود استفاده کرده‌اند. در مطالعه‌ای که در سال ۸۹-۱۳۸۸ در دانشگاه علوم پزشکی سمنان برگزار شد، مدرسین دانشگاه در ابعاد مهارت، خصوصیات فردی، رعایت قوانین آموزشی، خصوصیات فیزیکی و زمان ارائه‌ی درس و سایر جنبه‌ها از سوی دانشجویان مورد ارزشیابی قرار گرفتند که نتایج نشان داد که تسلط استاد به مطالب، خوش اخلاقی، اعتماد به نفس،

⁴ -Herberte Marsh



قدرت بیان، تلاش در تفهیم مطالب، شخصیت و جدید یا قدیمی بودن مطالب بر ارزشیابی اساتید اثرگذار است. نوبخت و رودباری (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان "ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اساتید در دانشگاه علوم پزشکی تهران" نتیجه گرفتند که مقررات اداری، ظواهر فردی و اجتماعی و روابط متقابل استاد و دانشجو بیشترین امتیاز ارزشیابی را داشت. امتیاز کسب شده در زمینه کیفیت آموزشی و روشهای اداره و کنترل کلاس در مرتبه بعدی ارزشیابی قرار داشت.

ذوالفقار و مهرمحمدی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان (ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اعضای هیات علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های شهر تهران) نتیجه گرفتند که بین کیفیت تدریس اعضای هیات علمی بر حسب محل خدمت و رشته تحصیلی آنان رابطه معناداری وجود دارد، اما در سایر شاخص‌های مورد نظر در این پژوهش یعنی، بین سن، جنس، سنوات تدریس و دانشگاه محل تحصیل با کیفیت تدریس اعضای هیات علمی رابطه‌ی معناداری به دست نیامد.

اهداف پژوهش

- بررسی ارتباط بین کیفیت تدریس اساتید با سابقه تدریس آنان از نظر دانشجویان.
- بررسی ارتباط بین کیفیت تدریس اساتید با سن آنان از نظر دانشجویان.
- بررسی ارتباط بین کیفیت تدریس اساتید با جنسیت آنان از نظر دانشجویان.
- بررسی ارتباط بین کیفیت تدریس اساتید با محل گرفتن مدرک دکتری آنان از نظر دانشجویان.
- بررسی ارتباط بین کیفیت تدریس اساتید با رشته تحصیلی آنان از نظر دانشجویان.
- بررسی ارتباط بین کیفیت تدریس اساتید با تعداد مقالات علمی- پژوهشی آنان از نظر دانشجویان.

روش بررسی

این تحقیق بر حسب هدف کاربردی و بر اساس شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است. در روش تحقیق توصیفی هدف توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است و روش پیمایشی به عنوان یکی از زیر بخشهای روش تحقیق توصیفی برای بررسی توزیع ویژگیهای جامعه آماری بکار می‌رود. در این پژوهش نیز محققین به دنبال بررسی و توصیف ارزشیابی کیفیت تدریس اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان و علوم پزشکی سنندج از دیدگاه دانشجویان می‌باشند جامعه آماری تحقیق را کلیه اعضای هیات علمی دانشگاه کردستان و علوم پزشکی شهر سنندج و همچنین تمام دانشجویان دو دانشگاه نامبرده در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ تشکیل می‌دهند. از این تعداد به صورت تصادفی ۲۰ عضو هیات علمی انتخاب شدند و برای هر استاد انتخاب شده تعداد ۲۰ دانشجو که با وی بیش از دو نیم سال تحصیلی درس گذرانده‌اند برای تکمیل پرسشنامه انتخاب گردیدند. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. ضریب پایایی پرسشنامه مذکور با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴ تعیین شد. جمع‌آوری داده‌ها با همکاری اداره‌ی آموزش دانشکده‌های مربوطه در انتهای کلاس و در اواخر ترم تحصیلی صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از روشهای امار توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ بهره گرفتیم.



نتایج و بحث

جدول شماره ۱. تحلیل واریانس یک عاملی ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اعضای هیات علمی بر حسب

سابقه تدریس

P	F	میانگین مجذورات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	شاخص‌های آماري منابع واریانس
۰/۷۹	۰/۰۰۱	۱۰/۰۷	۶۰/۴۳	۶	واریانس بین گروهی
---	---	۱۱۱/۳۶۱	۳۱۱۸/۱۲	۲۸	واریانس درون گروهی
---	---	---	۳۱۷۸.۵۵	۳۴	جمع

داده‌های جدول بالا در درجات آزادی ۶ و ۲۸ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد نسبت F بدست آمده (۰/۰۰۱) نشان می‌دهد که متغیر سابقه تدریس اساتید بر کیفیت تدریس آنان اثرگذار بوده است.

جدول ۲. سابقه تدریس اساتید و کیفیت تدریس

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص‌های آماری سابقه تدریس
۱۱/۷۵	۳۷/۳۰	۲	۵-۱
۱۱/۹۶	۴۴/۱۶	۵	۱۰-۵
۱۶/۲۲	۴۲/۶۷	۷	۱۵-۱۰
۱۴/۲۹	۴۱/۲۲	۳	۲۰-۱۵
۱۴/۲۹	۴۱/۰۸	۳	۳۰-۲۰
۱۳/۷۰۲	۴۱/۲۸۶	۲۰	جمع

با توجه به داده‌های جدول بالا اساتیدی که در گروه (۵-۱۰ سال) سابقه تدریس هستند دارای بیشترین میانگین هستند و بعد اساتید دارای ۱۰ الی ۱۵ سال هم نسبت به بقیه دارای میانگین بهتری هستند. این داده‌ها نشان می‌دهد که سابقه تدریس بر میزان کیفیت تدریس اثر می‌گذارد.

جدول شماره ۳. تحلیل واریانس یک عاملی ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اعضای هیات علمی بر حسب

سن

P	F	میانگین مجذورات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	شاخص‌های آماری منابع واریانس
۰/۳۷	۰/۰۰۳	۷۹/۵۸	۳۱۸/۳۲	۴	واریانس بین گروهی
---	---	۱۶۷/۵۱۹	۶۱۹۸/۲۲	۳۷	واریانس درون گروهی
---	---	---	۶۵۱۶/۵۴	۴۱	جمع

داده‌های جدول بالا در درجات آزادی ۴ و ۳۷ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد نسبت F بدست آمده (۰/۰۰۳)



نشان می دهد که متغیر سن اساتید بر کیفیت تدریس آنان اثرگذار بوده است.

جدول ۴. سن اساتید و کیفیت تدریس

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص های آماری سابقه تدریس
۱۰/۹۴	۴۴/۱۶	۴	۳۵-۳۰
۱۰/۷۱	۴۵/۳۹	۶	۴۰-۳۶
۷/۶۷	۴۷/۸۲	۴	۴۵-۴۱
۱۲/۵۴	۴۴/۶۰	۴	۵۰-۴۶
۵/۸۶	۴۴/۱۳	۲	۵۵-۵۱
۹/۵۴۴	۴۵/۲۲	۲۰	جمع

داده های جدول بالا نشان می دهد که اساتید گروه سنی (۴۱-۴۵ سال) دارای بیشترین میانگین بوده و همچنین گروه (۳۶ تا ۴۰ سال) در مکان بعدی قرار دارند. و گروه سنی بالای ۵۰ سال داری کمترین نمره میانگین هستند.

جدول شماره ۵. تحلیل واریانس یک عاملی ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اعضای هیات علمی بر حسب

جنسیت

P	T مشاهده شده	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص های آماری جنسیت
۰/۸۴	-۲/۹۰	۱/۶۸	۱۴/۵۵	۸۵/۲۰	۱۴	مرد
---	---	۱/۲۴	۱۲/۷۱	۸۵/۲۹	۶	زن

داده های جدول بالا نشان می دهد که تفاوت معناداری از لحاظ کیفیت تدریس بین دو گروه مشاهده نمی شود. همچنین میانگین دو گروه تقریباً یکسان است.

جدول شماره ۶. تحلیل واریانس یک عاملی ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اعضای هیات علمی بر حسب

محل گرفتن مدرک تحصیلی

P	T مشاهده شده	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص های آماری محل اخذ مدرک
۰/۶۹	۳/۹۰	۱/۴۵	۱۲/۲۸	۸۳/۱۸	۱۳	داخل کشور
---	---	۲/۲۷	۱۴/۳۹	۸۸/۳۰	۷	خارج کشور



داده های جدول بالا نشان می دهد که تفاوت معناداری از لحاظ کیفیت تدریس بین دو گروه مشاهده می شود. یعنی اساتیدی که مدرک تحصیلی دکتری خود را از خارج گرفته اند نسبت به اساتیدی که در داخل مدرک دکتری گرفته اند دارای میانگین بهتری هستند و تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده می شود.

جدول شماره ۷. تحلیل واریانس یک عاملی ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اعضای هیات علمی بر حسب رشته تحصیلی

P	F	میانگین مجدورات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	شاخص های آماري منابع واریانس
۰/۰۰۰۱	۱۳/۲۵	۳۱۰/۰۸۷	۲۱۷۰/۶۱	۷	واریانس بین گروهی
---	---	۴۵/۰۸۶	۳۹۶۷/۶۵	۸۸	واریانس درون گروهی
---	---	---	۶۱۳۸/۲۶	۹۵	جمع

داده های جدول بالا در درجات آزادی ۷ و ۸۸ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد نسبت F بدست آمده (۱۳/۲۵) نشان می دهد که متغیر رشته تحصیلی اساتید بر کیفیت تدریس آنان اثرگذار بوده است.

جدول ۸. رشته تحصیلی اساتید و کیفیت تدریس

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد اساتید	شاخص های آماری رشته تحصیلی
۱/۹۲۳	۸۲/۸۴	۲	ادبیات فارسی
۱/۷۱	۸۴/۵۳	۲	علوم تربیتی
۲/۲۹	۸۳/۹۰	۲	ریاضی
۲/۱۰	۷۸/۶۸	۲	مهندسی شیمی
۲/۱۶	۸۱/۳۰	۲	علوم دامی
۱/۳۴	۷۷/۹۰	۲	خاک شناسی
۲/۸۶	۷۹/۲۲	۲	مهندسی عمران
۱/۱۷	۸۱/۶۰	۲	دندانپزشکی
۳/۶۶	۸۲/۴۵	۲	بهداشت
۲/۹۰	۸۲/۱۶	۲	پرستاری و مامایی
۲/۲۱۱۳	۸۲/۳۵۸	۲۰	جمع

داده های جدول ۸ نشان می دهد که رشته تحصیلی اساتید در کیفیت تدریس آنان اثر داشته است. با توجه به این جدول گروه آموزشی علوم تربیتی، ریاضی و ادبیات فارسی به ترتیب دارای بیشترین میانگین بوده اند. و گروه خاک



شناسی دارای کمترین میانگین از بین ده گروه منتخب می باشد.

جدول شماره ۹. ضریب همبستگی اسپیرمن برای ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اعضای هیات علمی بر حسب تعداد مقالات

ضریب همبستگی				
		تعداد مقالات	کیفیت تدریس	
ضریب همبستگی اسپیرمن	تعداد مقالات	مقدار ضریب همبستگی	1.000	
		سطح معنی داری	.	
		تعداد	۲۰	
	کیفیت تدریس	مقدار ضریب همبستگی	۰.۴۳۳**	1.000
		سطح معنی داری	۰/۰۰۰	.
		تعداد	۲۰	۲۰

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

با توجه به نتایج این جدول چونکه سطح معنی داری ($\text{sig} = ۰.۰۰۰$) می باشد، و کمتر از $۰/۰۵$ می باشد فرض صفر رد می شود و همبستگی بین این دو متغیر وجود دارد. ضریب همبستگی بین دو متغیر نیز برابر ۰.۴۳۳ و در سطح خطای ۱ درصد نیز معنادار می باشد. و همبستگی بین دو متغیر در جهت مثبت و نسبتاً خوب است و دارای ارزش علمی می باشد. یعنی با افزایش تعداد مقالات اساتید میزان کیفیت تدریس آنان بهبود داشته است. ارزشیابی استادان توسط دانشجویان به عنوان یکی از ابزارهای ارزشیابی لازم الاجرا است. لذا باید؛ ارزشیابی در قالب یک نگرش سیستمی در دانشگاهها از اهمیت خاصی برخوردار گردد و ارزشیابی اعضای هیأت علمی به عنوان جزئی از این سیستم و از طریق مشارکت خود آنان انجام شود. از ارزشیابی به عنوان یک فعالیت موردی استفاده نشود، بلکه به صورت فرآیند مستمر از مجموعه فعالیتها و عملیات از آن بهره گرفته شود. مسولیت اجرای ارزشیابی و تهیه ابزارهای آن توسط یک کمیته علمی مجرب و متخصص و با انجام کار تحقیقاتی در گروههای مختلف تخصصی و توسط خود آنان انجام گیرد. جو مناسب ارزشیابی در محیطهای ارزشیابی به خصوص در مراکز آموزش عالی حکمفرما گردد تا باعث تشویق و همکاری بیشتر اعضای هیأت علمی در ارزشیابی از فعالیتهای خود شود. ریندرمن در تحقیق خود می نویسد که قضاوت دانشجویان نسبت به کیفیت عملکرد مدرسان به عوامل شش گانه سن، جنس، دانشگاه محل تحصیل، سوابق تحصیلی، میزان دانش و اطلاعات علمی، و سطح هوش آنان بستگی دارد.

منابع

- [1] بازرگان، عباس و همکاران؛ فرایند اجرای ارزیابی درونی در گروههای آموزشی دانشگاه (راهنمای عملی)، تهران: نشر دوران، ۱۳۸۶.
- [2] فراستخواه، مقصود؛ بررسی تأثیر فرایند ارزیابی درونی بر برنامه ریزی برای بهبود کیفیت گروه های آموزشی دانشگاهی؛ تحلیلی مقایسه ای، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ش ۴۹، ۱۳۸۷، ۱۷۵-۱۴۵.



- [3] ذوالفقار، محسن و مهرمحمدی، محمود؛ ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اعضای هیات علمی رشته های علوم انسانی دانشگاه های شهر تهران، دوماهنامه دانشور، سال یازدهم، شماره ۶، ۱۳۸۳.
- [4] نوبخت، ملیحه و رودباری، مسعود؛ ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اساتید در دانشگاه علوم پزشکی تهران، <http://journals.tums.ac.ir/> on Thursday, January 09, 2014. ۱۳۹۱.
- [5] ان-ال-گیج (۱۹۷۸) مبانی علمی هنر تدریس، (۱۳۷۴) ترجمه محمود مهرمحمدی، تهران انتشارات مدرسه.
- [6] Marsh, Herbert. W. & Micheal Baily: *Multidimensional students Evolution of Teaching Effectiveness, Journal of Higher Education, (1993), Vol.64, No.1, p.2.*
- [7] Marvin, Peterson and calherinh, Augustine (2000), *External and internal influences on institutional Approches to student Assessment Research in Higher Education, Vol.41, No.4, p. 25.*
- [8] Shakournia A, Elhampour H, Mozaffari A, Dasht 3. Bozorgi B. *Ten Year Trends in Faculty Members' Evaluation Results in Jondi Shapour University of Medical Sciences. Iranian Journal of Medical Education, 2008;7(2): 309-316.*
- [9] Sanagoo A, Joibari L. *Students' Viewpoints and 8. Experiences about Evaluation of Academic staff in Theoretical courses. Strides In Development of Medical Education, Journal of Medical Education Development Center of Kerman University of Medical Sciences 2010;7(1): 57-69.*
- [10] Fatahi Z, Adhami A, Noohi E, Nakhaei N, Eslami 5. Nejad T. *Opinion of academic members of Kerman University of Medical Sciences about educational evaluation of lectures, 2002-03. Journal of Hormozgan University of Medical Sciences, 2005; 9(1): 66-59.*
- [11] Vakili A, hajaghajani S, Rashidy-pour A, Ghorbani 6. R. *An investigation of factors influencing student evaluation of teacher performance: A comprehensive study in Semnan University of Medical Sciences. Koomesh, Journal of Semnan University of Medical Sciences, 2011; 12(2): 93-103.*
- [12] Hiner, Rinderman & Neville schfield (2001) *Generalizability of Mullidimensional student ratings of university instruction Across courses and Teaching Research in Higher Education. Vol, 42, No.4, p, 377.*